

عقل گریزی

دانشگاهی سؤال کردم که کتاب‌های انگلیسی را چگونه فهرست می‌کنید؟ مثل اینکه سؤال نابه‌جایی شده باشد فرمودند: معلوم است به انگلیسی. عرض شد چرا توصیفی را به انگلیسی و موضوعات را به فارسی نمی‌نویسید. توضیح دادند: آن کس که به دنبال کتاب انگلیسی است انگلیسی می‌داند. سؤال شد که کتاب روسی و فرانسه و ایتالیایی و... را چگونه فهرست می‌کنید؟ فرمودند به انگلیسی! گفتم به تبعیت از استدلال شما چرا کسی که روسی می‌داند باید انگلیسی هم بداند تا از فهرست شما بتواند استفاده کند؟ فرمودند که کتابخانه کنگره چنین کرده ما هم به همان سیاق رفته‌ایم. گفته شد آنان برای امریکاییان که انگلیسی زبان هستند فهرستنویسی کرده‌اند، لذا به انگلیسی نوشته‌اند، ما که زبانمان فارسی است و اصولاً مراجعه‌کننده فارسی زبان باید این امکان را در کتابخانه‌های کشورش داشته باشد که بداند در موضوع مورد جست و جوی او چه کتاب‌هایی به سایر زبان‌ها وجود دارد. استدلال همان بود: ما از استاندارد کتابخانه کنگره استفاده می‌کنیم و تاکنون به این شیوه فکر نکرده‌ایم.

گاهی در طول تاریخ اندیشه انسان‌ها چنان جمود فکری پیش آمده که عبرت آموز است. در قرن سیزده هجری تفکری ظهور یافت که به نوشته شهید مطهری به کلی عقل را به عنوان یک منبع تشخیص تعطیل می‌دانست و برای آن شائیتی قائل نبود. مثلاً اگر یکی از آنان که حسن نام داشت می‌مرد در حاشیه کفن او می‌نوشتند - اسماعیل یشهد ان لا اله الا الله - وقتی معترض می‌شدند که این حسن است که مرده است چرامی‌نویسید: اسماعیل شهادت می‌دهد که خدا یگانه است، می‌گفتند که چون در حدیث امام نام اسماعیل آمده ما مجاز به تغییر آن نیستیم. از علامه وحید بهبهانی نقل شده است که جمود این مسلک به حدی بود که اگر فرضاً مریضی پیش ائمه رفته و برای آن مریض خاص خوردن آب سرد توصیه شده بود آنان از آن پس برای همه مریض‌های عالم و همه مرض‌ها آب سرد تجویز می‌کردند.

تصور نشود چنین تفکراتی پایان پذیرفته و مربوط به قرون گذشته است. خیر! صورت مدرن آن در بسیاری از حوزه‌ها قابل رؤیت است. دیروز از کتابدار یکی از کتابخانه‌های بزرگ

وقتی حدود چهار دهه پیش تب تبدیل رده‌بندی دیویی به کنگره بالا گرفت، اغلب کتابخانه‌های کوچک و بزرگ با صرف هزینه و به هم ریختن وضع موجود به سرعت تغییر رده دادند تا از غافله تغییر عقب نمانند. وقتی از آنان سؤال می‌شد و- اکنون نیز می‌شود- که آن تغییر به چه علت رخ داد؟ توضیح این بود - و هست- که دیویی پاسخگوی مجموعه‌های بزرگ نیست! و البته ما هم، چون معمولاً فکر می‌کنیم بزرگ‌ترین و بی‌بدیل‌ترین مجموعه‌ها را در کف باکفایتمان رهبری می‌کنیم، سریعاً تبدیل را عملی کردیم که کوچک‌ترین نقصانی در اطلاع‌رسانیمان رخ ندهد.

اگر در راستای! تبعیت از استانداردهای جهانی و کنگره‌ینگه دنیا مثلاً به کتاب مکاسب محرمة «تابو» را موضوع داده‌ایم و یا به ۴۰ جلد تفسیر المیزان با تمام مطالبی که دارد «تفاسیر قرن ۱۴ شیعه» را داده‌ایم کاری هوشمندانه و سودمند انجام داده‌ایم و البته جست‌وجوگر ایرانی هم آنقدر باید هوشمند و متمدن! باشد که برای یافتن کتابی مثل مکاسب محرمة با موضوع تابو به دنبال آن بگردد.

ماه پیش توفیق یار بود که کتابخانه دانشگاه کمبریج را زیارت کنم. این کتابخانه با هفت

میلیون جلد کتاب با روش دیویی پاسخگوی هزاران دانشجوی کنجکاو است که روزانه به آنجا مراجعه دارند. در پردازش اطلاعات نیز هر کجا لازم شده بود در استانداردها و مقررات تغییر داده بودند. البته در آن سفر برایم واضح و مبرهن شد که:

یا این قافله غریبان از اطلاعات و اطلاع‌رسانی خیلی عقب‌اند و یا ما حدوداً چهل سال جلویییم و یا بقول مولانا:

از محقق تا مقلد فرق‌هاست

کاین چو داوود است و آن دیگر صداست

منبع گفتار او سوزی بود

وان مقلد کهنه آموزی بود

اکنون نیز که تب دیجیتالی شدن به شدت بالا گرفته و صغیر و کبیر خود را مدعی و عامل انحصاری اجرای آن می‌پندارند، اگر درست و سنجیده و با مراعات اصول و ضوابط عمل نکنیم سال‌های بعد دیگرانی خواهند آمد و ما را به عقل‌گریزی و فرصت‌سوزی متهم خواهند ساخت؛ که برای آن اتهام نیز دفاعی متصور نخواهد بود.

فریبرز خسروی

